



تحلیل شخصیت خیام

محمدتقی جعفری، انتشارات کیهان، چاپ چهارم، ۱۳۷۵، (چاپ اول، ۱۳۶۴)، قطع: وزیری، ۳۶۵ صفحه.
چاپ اول این کتاب در سال ۱۳۵۵ انجام یافته و پس از تجدیدنظر در سال ۱۳۶۴ چاپ شده است.

۱. مضامین اصلی

۱-۱. مقدمه‌ای بر تحلیل شخصیت فلسفی، علمی، مذهبی و ادبی عمر بن ابراهیم خیامی با تأکید بر این مطلب که خیام پژوهان در تحقیقات خود بیشتر به بعد علمی به ویژه ریاضی خیام توجه کرده‌اند و از توجه به بعد فلسفی و مذهبی او چشم پوشیده‌اند. ارائه‌ی گزارشی خلاصه از چگونگی شیوه‌ی بررسی و ارزیابی فلسفی و علمی و احساسات ادبی رباعیات منسوب به عمر خیامی در این کتاب و بیان عقاید و احتمالاتی که می‌توان درباره‌ی عمر بن ابراهیم خیامی در نظر گرفت. «خلاصه اگر تحقیقات لازم و کافی اثبات کند که عمر بن ابراهیم خیامی، فیلسوف و دانشمند ریاضی دان که عقاید مذهبی و رفتار عالی داشته است، غیر از آن خیامی ست که رباعیاتی در پوچی و لذت پرستی و بی اساس بودن هستی سروده است، یا این که با تکیه به دلایل اطمینان بخش اثبات شود که رباعیات پوچ گرایی را شعرایی دیگر سروده‌اند و آن چه از عمر بن ابراهیم خیامی ست، مقداری رباعیات در بی وفایی دنیا و ... است، معمایی وجود ندارد و اگر فرض کنیم شخصیت مورد تحقیق، همان عمر بن ابراهیم، فیلسوف و دانشمند ریاضی دان است که رباعیات پوچ گرایی و لذت پرستی و بی اساس بودن هستی را گفته است، مسأله‌ای لاینحل درباره‌ی این شخصیت به وجود خواهد آمد» (صص ۱-۹).

۲-۱. فصلی زیر عنوان «شخصیتی پیچیده در برابر محققان و داوران قرون و اعصار»، بررسی علل اختلاف برداشت‌ها و استنتاجاتی که درباره‌ی خیام پدید آمده است.

افزون بر تأثیرگذاری محیط و فرهنگ حاکم بر جامعه بر نگرش پژوهش‌گران، برخی از عوامل اختصاصی نیز بر نگرش او اثر گذارند که برخی از آن‌ها عبارتند از:

الف. از آن جا که شخصیت‌های برجسته‌ی تاریخی، الگو و معیار قرار می‌گیرند، هر محقق می‌کوشد شخصیت مورد تفسیر را به عنوان مویده نظرات خود توجیه کند.

ب. نگرش شخصیتی و فردی پژوهش‌گر و چگونگی برداشت و تفکرش در تحلیل متن تأثیرگذار است.

ج. پژوهشگر هنگام بررسی و تفسیر شخصیت دیگران، همواره از شیوه‌ی مقایسه‌ی دیگران با خود بهره می‌گیرد.

د. تقلید و پیروی صریح و غیر صریح از شخصیت‌های بزرگ در انسان‌شناسی و جهان‌شناسی (صص ۱۰-۱۸).



گروه فرهنگی سایه خیال

۳-۱. فصلی زیر عنوان «خصوصیتی در تحلیل و تفسیر شخصیت عمر خیامی»؛ بررسی و تأکید بر این مطلب که به رغم پندار و باور بسیاری از مردم عامه برخی اشخاص مانند ابوعلی سینا، مولوی و ... و ارسطو و افلاطون می‌توانند ابعاد علمی و فلسفی خود را با ابعاد دیگر خویش مانند شهود و اخلاق و حکمت و مذهب و ادب و عرفان سازگار سازند (صص ۱۹-۲۵).

۴-۱. بررسی این موضوع که آیا شخصیت عمر بن ابراهیم خیامی، از همه‌ی ابعاد هشت‌گانه‌ی یاد شده (علمی، فلسفی، شهودی، اخلاقی، حکمت، مذهب، ادب، عرفان) برخوردار است؟ «دید علمی...» با در نظر گرفتن همه‌ی شرایط زمانی و محیطی در حد عالی بوده است. دید فلسفی خیامی نیز در درجه‌ای عالی بوده است... دید شهودی... در مبانی علمی و در بینش‌های فلسفی وی دیده نمی‌شود... بعد اخلاقی، منابع موجودی که از خیام در دسترس است، اخلاق والایی نشان نمی‌دهد... (بعد حکمی) ... با توجه به این تعریف‌ها (تعریف حکمت و فلسفه) فلسفه‌گرایی خیام بیش از حکمت‌گرایی وی بوده است... بعد ادبی شخصیت خیامی با توجه به اطلاعاتی که درباره‌ی ادبیات عرب اظهار کرده... آشنایی قابل توجهی با ادبیات عرب داشته و با توجه به رباعیات او، هنر شعری او در ادبیات فارسی در حد قابل توجهی است... (بعد عرفانی) ... در کتب فلسفی خیامی، حالت عرفان دیده نشده، ولی در بعضی رباعیات منسوب به او که بسیار نادر است، گاهی مضمون عرفانی دیده می‌شود. (بعد مذهبی)، (با توجه به مطالب خیام در آثار فلسفی اش و مقدار کمی از رباعیاتش) می‌بایست مردی مذهبی بوده باشد» (صص ۲۶-۳۱).

۵-۱. بررسی «لقب امام برای خیامی»؛ بر شمردن اسناد و منابعی که لقب «امام»، «حجه‌الحق» را بکار برده‌اند و تأکید بر این مطلب که در اسلام، هرگز برای یک فیلسوف محض، با داشتن بعد شاعری پوچ گرا کلمه‌ی امام را به کار نمی‌برند و به فرض درست بودن انتساب رباعیات پوچ‌گرایانه به خیام، القاب امام و ... تعارفاتی بی‌اساس است و یا تقلید از تملق‌گویانی است که ما آنان را نمی‌شناسیم (صص ۳۲-۳۷).

۶-۱. فصلی زیر عنوان «آیا خیامی زیر تأثیر ابوالعلائی معری قرار گرفته است؟»، بر شمردن برخی از ویژگی‌های شخصیت ابوالعلائی معری و بررسی برخی از تناقضات صریح در تفکرات او و رسیدن به این نتیجه که «خیامی به جنبه‌های ادبی تفکرات ابوالعلائی... علاقه داشته است... نه محتوای پوچ‌گرایی (آن‌ها)» (صص ۳۸-۵۷).

۷-۱. توضیح درباره‌ی دیدگاه فلسفی خیامی و تأکید بر بزرگی نام خیام در تفکرات فلسفی و علمی. بررسی نگرش فلسفی او با توجه به آثار فلسفی اش، برخی از این موارد عبارتند از:

- وجود خداوند احتیاج به علت ندارد. (بهره‌گیری از مطالبی که خیام در رساله‌ی کون و تکلیف گفته است، گفتنی است نگارنده در این بخش متن عربی آثار خیام را به همراه ترجمه‌ی آن‌ها ذکر کرده است.)
- موجودات عالم هستی واقعیت دارند.
- جریان فیض وجود از خداوند بر موجودات.
- تقدم در خلقت به ملاک اشرفیت است، یعنی موجود اشرف در خلقت تقدم به دیگر موجودات دارد.



گروه فرهنگی سایه خیال

- تضادی که منشأ بروز عدم و شر است مخلوق بالذات الهی نیست.
- تکلیف، دستور صادر از خداوند متعال است برای تحریک انسان‌ها در جهت کمالات.
- ضرورت بعثت انبیا و بیان صفات آن.
- سه منفعت بسیار با اهمیت اوامر و نواهی الهی و نبوی (صص ۵۸-۸۴).

۸-۱. توضیح درباره‌ی «آغاز و انجام کتاب‌های علمی و فلسفی عمر بن ابراهیم خیامی»

۸-۱-۱. بررسی چگونگی شروع و پایان مطالب رساله‌های گوناگون خیام (رساله‌ی جبر و مقابله، کون و تکلیف، مصادرات اقلیدس، رساله‌ی الاولی فی الوجود)، برای شناخت بیشتر پای بندی خیام به اصول و مبادی هستی و پاسخ به این ابهام که «آوردن این‌گونه جملات (حمد و ثنای خداوند و پیامبرانش و ...) در آغاز و پایان کتاب‌ها رسم بود و یا خیامی برای فریب دادن مردم (به قول نویسنده‌ی ترانه‌های خیام)، نوشته است: پاسخ آن خیلی روشن است، زیرا اولاً اگر این جملات فقط حمد خدا و درود بر پیغمبر بود، احتمال مزبور قابل توجه بود ولی آن جملات و نیایش‌های زیبا که دلالت بر ایمان نویسنده و نشاط معنوی او دارد، با این احتمال نمی‌سازد و ثانیاً گاه در وسط مطالب یک رساله باز حالت معنوی الهی از خیامی مشاهده می‌کنیم...» (صص ۸۵-۹۳).

۸-۱-۲. فصلی زیرعنوان «مسائلی دیگر درباره‌ی روحیه‌ی مذهبی خیامی». ذکر بخش‌هایی از رساله‌ی فی شرح ما اشکل من مصادرات کتاب اقلیدس و گفته‌های ظهیرالدین بیهقی درباره‌ی چگونگی فرار رسیدن مرگ خیام و تأکید بر این مطالب که با توجه به نظر خیام در این بخش‌های رساله، علوم و تحصیل آن‌ها نه تنها یک پدیده‌ی ناخوشایند نیست، بلکه برای جوینده‌ی راه نجات و سعادت ابدی، واجب است و نیز تحقیق درباره‌ی خداوند و معاد و ابدیت و نبوت نیز نیازمند شناخت کلیات و قوانین علمی ست (صص ۹۳-۹۶).

۸-۱-۳. نقد و بررسی قسمت‌هایی از نوشته‌های صادق هدایت در کتاب ترانه‌های خیام که با توجه به مفاهیم برخی رباعیات، خیام را پوچ‌گرا و لذت‌پرست دانسته است (صص ۹۶-۱۰۳).

۹-۱. مقدمه‌ای بر تحلیل و ارزیابی فلسفی و علمی رباعیات منسوب به خیامی.

۹-۱-۱. اشاره به این مطلب که تحقیقات خیام پژوهان بر گرد دو هدف اساسی چرخیده است یکی به دست آوردن شناخت عتیقه‌ای آن شخصیت که متأسفانه محققانی قابل توجه چه در شرق و چه در غرب به سمت این هدف حرکت کرده‌اند، و دیگری تحقیقات و توصیفی محض بدون عنوان باستانی بودن شخصیت. به این معنی که محقق کاری با انقراض دوران شخصیت مورد تحقیق خود ندارد و نمی‌خواهد نتیجه‌ی تحقیق خود را پس از به دست آوردن شناسایی‌های مطلوب مانند یک موجود عتیقه‌ی تمیز در جای مناسب از موزه قرار دهد، بلکه خواهان آن است که تحقیق خود را به عنوان یک انسان رشد یافته و یکی از قلمروهای مطلوب بشری معرفی نمایند (صص ۱۰۵-۱۰۷).



گروه فرهنگی سایه خیال

۱-۹-۲. اشاره‌ای کوتاه و تأکید گونه به چگونگی نگرش به رباعیات در کتاب، که در آن از دو نوع گوینده ی رباعیات نام برده می‌شود. یکی خیامی و دیگری گوینده ی رباعیات، به عبارت دیگر، در این کتاب، یک بار بدون در نظر گرفتن این که گوینده ی رباعیات فیلسوف و دانشمند یا انسان معمولی ست و یک بار با استناد به گوینده ی آن‌ها بررسی می‌شود (صص ۱۱۲-۱۲۰).

۱-۱۰-۱. بررسی علت جذابیت رباعیات منسوب به خیامی.

۱-۱۰-۱. برشمردن علل جذابیت رباعیات خیامی:

الف. گوینده چنین وانمود می‌کند که بر مطلب مورد اشاره‌ی خود، احاطه و اشراف کامل دارد.

ب. استفاده از محسوسات ظاهری زندگی و معلومات سطحی که برای اکثریت مردم قابل درک است.

ج. در این رباعیات، دستورات و سفارش‌هایی برای ادامه‌ی نادانی و فرو رفتن در بی‌خبری داده شده است.

۱-۱۰-۲. آیا اصالت با جالب بودن است یا واقعیت و حقیقت؟ تأکید بر این مطلب که بیشتر مردم به موارد جالب بیشتر از

واقعیات محض گرایش دارند و ذکر یک رباعی از خیام برای نمونه (صص ۱۲۱-۱۳۰).

۱-۱۱-۱. توضیح درباره‌ی ارزش علمی و فلسفی رباعیات منسوب به خیامی.

۱-۱۱-۱. تأکید بر این مطلب که در این مباحث، نقد و بررسی علمی و فلسفی رباعیات (که تا پایان کتاب را شامل می‌شود)،

بدون در نظر گرفتن نام گوینده ی آن‌ها بررسی می‌شود (صص ۱۳۰-۱۳۲).

۱-۱۱-۲. حقیقت هستی مجهول است، خود را برای کشف آن خسته نکنید. ذکر ۱۴ رباعی از رباعیات منسوب به خیام با

توجه به رباعیات برگزیده در آثار محمدعلی فروغی و محمدمهدی فولادوند و نسخه‌ی کلاله خاور به عنوان گروه اول رباعیات (صص ۱۳۲-۱۳۶).

۱-۱۲-۱. نقد و بررسی گروه اول از رباعیات.

۱-۱۲-۱. ارائه‌ی مقدمه‌ای درباره‌ی مراحل مهم علم و معرفت با توضیح چهار مرحله:

الف. انعکاس واقعیات در مغز انسان‌ها.

ب. شک و تردید.

ج. مرحله‌ی بروز چهره‌ی بسیار زیبای علم و معرفت.

د. رشد روحی با ایمان اعلا که همه‌ی هستی را با فروغ الهی می‌بیند (صص ۱۳-۱۳۹).

۱-۱۲-۲. تأکید بر این نکته که گویندگان رباعیات (!) مورد بررسی و نقد از مرحله‌ی دوم علم و معرفت (شک و تردید)

تجاوز نکرده‌اند، همراه با نقد و بررسی ۱۴ رباعی گروه اول با این عنوان که مضمون حقیقت هستی مجهول است خود را برای کشف آن خسته نکنید (صص ۱۳۹-۱۵۴).



گروه فرهنگی سایه خیال

برای نمونه، در نقد و بررسی رباعی (۳)، «اجرام که ساکنان این ایوانند...» گفته شده: «محتوای رباعی شماره‌ی (۳) با در بر داشتن یک مطلب موهوم، دستور به تبعیت از خرد می‌دهد که با همه‌ی رباعیاتی که توصیه به «خوش باش» (لذت‌گرایی و دم‌غنیمت‌شمردن) و بی‌اعتنایی به همه‌ی حقایق وجود می‌نماید، منافات دارد. مطلب موهوم اسناد تدبیر به کرات فضایی ست که قطعاً غلط و ناشی از جهل بعضی از گذشتگان است به علوم کیهانی و اصول مسلمه‌ی اسلام که اعتقاد به تدبیر و تأثیر ستارگان را در سرنوشت بشری کفر می‌داند» (ص ۱۴۱).

۱-۱۲-۳. ذکر سه رباعی با موضوع «می‌دانم ولی نمی‌گویم» (ص ۱۵۴).

۱-۱۳. نقد و بررسی کلی گروه دوم از رباعیات.

۱-۱۳-۱. نقد و بررسی مضمون سه رباعی گروه دوم. «رباعیات در دو مضمون مشترکند، یکی این که گوینده یا گویندگان آن‌ها ادعا می‌کنند که اسراری یا همه‌ی اسرار جهان را به دست آورده‌اند... دوم اینکه از بیم و هراس از مردم نمی‌توانند آن‌ها را بازگو کنند... اگر این رباعیات را همان کسی گفته است که رباعیات گروه اول را سروده، یا تناقض را محال نمی‌دانسته است و یا آدمی فراموش کار بوده است که در موردی می‌گوید: هیچ نمی‌تواند اسرار را بفهمد، در جای دیگر می‌گوید: اسرار جهان چنان که در دفتر ماست! ولی به مردم نباید گفت...» (صص ۱۵۵-۱۵۷).

۱-۱۳-۲. آیا عقل و خرد و اندیشه ضرورت دارند یا نه؟ تقسیم رباعیات در پیوند با این موضوع به سه دسته‌ی مثبت و منفی و مبهم و ذکر ۶ رباعی مثبت ۵ رباعی منفی و ۲ رباعی مبهم. (صص ۱۵۷-۱۶۰).

۱-۱۴. بررسی و تحلیل و نقد گروه سوم از رباعیات.

۱-۱۴-۱. نقد و بررسی شش رباعی مثبت که اندیشه و عقل را با ارزش معرفی می‌کنند (صص ۱۶۱-۱۶۴). برای نمونه، در نقد و بررسی رباعی شماره‌ی (۳). «ترکیب طبایع چون به کام تو دمی ست...» گفته شده: «در این رباعی، یک تناقض گویی شگفت‌انگیزی دیده می‌شود که اگر مضمون آن در نثر گفته می‌شد، گوینده‌ی آن، منسوب به نوعی اختلال دماغی می‌گشت، زیرا در مصرع اول، دستور می‌دهد «با اهل خرد باش» که امری ضروری و مطلوب است، ما را از سرخوشی و بی‌اعتنایی به واقعیات بر حذر می‌دارد... اما به این حقیقت اعتقاد ندارد که ترکیب طبایع و تشکیل اجزای بدن که به قول بعضی از گذشتگان از خود راضی عبارت است از گردی، نسیمی و ... برای به کمال رساندن روح است، نه برای خوش باشی و سرخوشی و انشاءالله بز بود... یک ابهام دیگر در رباعی فوق وجود دارد که در مصراع آخر دیده می‌شود. می‌گوید: رو شاد بزی اگرچه بر تو ستمی ست، مقصود از ستم چه بوده است؟ اگر مقصود غوطه‌ور شدن در ناگواری‌های زندگی ست، این حقیقتی ست...» (صص ۱۶۲-۱۶۳).

۱-۱۴-۲. بررسی و تحلیل و نقد ۵ رباعی منفی از گروه سوم (صص ۱۶۵-۱۷۳). «رباعی شماره‌ی (۲) امشب می‌جام یک منی

خواهم کرد، ... پوچ‌گرایی و پناه بردن به عامل تحذیر و اذکار عقل و دین با یک شکل جالب مطرح می‌شود ... به نظر می‌رسد



گروه فرهنگی سایه خیال

این گونه مستی و ناهشیاری ممکن است معلول پشت سر انداختن عقل و دین بوده باشد و ممکن است بالعکس باشد، یعنی مستی و ناهشیاری ست که عقل و دین را از ضرورت ورود در توجیه و تفسیر انسان‌ها برکنار می‌سازد» (صص ۱۶۵-۱۶۶).

۱-۱۴-۳. نقد و بررسی دو رباعی مبهم از گروه سوم (صص ۱۷۳-۱۷۴). «در رباعی شماره‌ی (۱) «ای چرخ ز گردش تو خرسند نیم» گوینده‌ی رباعی ناراضی بودن خود را از گردش چرخ ابراز می‌کند و ... از چرخ می‌خواهد او را آزاد کند، زیرا لایق بند و زنجیر نیست. سپس در بیت دوم برای ترغیب چرخ... می‌گوید: ای چرخ اگر میل تو با نادانان است گمان مبر که من دانا و اهل فضل...، ابهام این رباعی در این است که معلوم نیست گوینده‌ی رباعی حقیقتاً از علم و خرد بیزار است یا می‌خواهد به چرخ وانمود کند...» (صص، ۱۷۳-۱۷۴).

۱-۱۴-۴. ذکر هفت رباعی با مضمون «نمی بینم پس نیست، یا قابل اثبات نمی‌باشد» (صص ۱۷۴-۱۷۶).

۱-۱۵-۱۵. بررسی و نقد گروه چهارم از رباعیات (ص ۱۷۷).

۱-۱۵-۱. نقد و بررسی کلی مضامین هفت رباعی گروه چهارم ... «...چند مطلب در رباعیات این گروه وجود دارد که مورد نقد قرار می‌دهیم.

مطلب یکم: امر مشترک مابین همه‌ی رباعیات این گروه انکار یا تردید در واقعیت هر چیزی ست که با حواس طبیعی درک نمی‌شود...

مطلب دوم: خصوصیات مضامین هر یک از رباعیات گروه چهارم است. در رباعی شماره‌ی ۱، «تا چند زخم به روی دریاها خشت...»، گوینده، چون در بلاد اسلامی بوده است از آوردن کلمه‌ی مسجد احتیاط کرده، بت پرستان و معابد یهود و نصاری را آورده و ابراز بیزاری نموده است... باید توجه داشته باشید که صدها هزار انسان‌های پیش تاز در تاریخ بشریت، «... حتی تحریکات درونی خود شما موضوعاتی را به عنوان واقعیت ماورای طبیعی مطرح کرده و عمیقاً به آنها اعتنا کرده‌اند...» (صص ۱۷۷-۱۷۹).

۱-۱۵-۲. ذکر هشت رباعی با مضمون انکار یا تردید در ابدیت (صص ۱۸۰-۱۸۱).

۱-۱۶-۱۶. بررسی و نقد گروه پنجم از رباعیات.

۱-۱۶-۱. نقد و بررسی ۸ رباعی این گروه (صص ۱۸۲-۱۸۷). «در رباعی شماره‌ی (۱)، «ای کاش که جای آرمیدن بودی...»، جایگاهی برای آرمیدن می‌خواهد، اگر مقصود گوینده‌ی رباعی جایگاه آرامش در این دنیا باشد، آرزویی ست عامیانه، زیرا هر آدمی با حداقل آگاهی می‌داند که جهان ما گذراست...، و اگر مقصود گوینده‌ی رباعی از جایگاه آرمیدن اعم از این صحنه‌ی طبیعت و ماورای طبیعت بوده باشد... که البته این مطلب از آن جهت که برای انسان آرامشی پس از عبور از دار دنیا وجود دارد، قابل توجه است، ولی بیت دوم نفی اصل ماورای طبیعت و حیات با آرامش در آن را اشعار می‌دارد!» (صص ۱۸۰-۱۸۴).

۱-۱۶-۲. مطلبی زیر عنوان: «رباعیات فوق در برابر واقعیات ذیل درباره‌ی ابدیت به ما چه می‌آموزند؟»، تأکید بر این مطلب

که در نهاد انسان‌های خودساخته و از دام خودکامگی‌ها و هوس‌ها رسته، احساسی شریف و پرمعنی درباره‌ی مرگ و ابدیت وجود



گروه فرهنگی سایه خیال

دارد که فنا و زوال در آن راه ندارد و گویندگان این گروه از رباعیات یا هیچ آگاهی از دلایل مجرد روح و بی‌نیازی آن از ماده نداشته‌اند و یا با طرز تفکرات سطحی و بدون مطالعه‌ی عمیق از آن گذشته‌اند» (صص ۱۸۸-۱۹۲).

۱-۱۶-۳. ذکر سه رباعی با مضمون «چون آغاز عالم را نمی‌بینم، پس این عالم بی‌نهایت است» (ص ۱۹۲).

۱-۱۷. بررسی و نقد گروه ششم از رباعیات.

۱-۱۷-۱. نقد و بررسی سه رباعی (صص ۱۹۳-۱۹۷).

۱-۱۷-۲. ذکر چهارده رباعی با مضمون پوچ‌گرایی (نیهیلیستی) و هیچ‌اندیشی (صص ۱۹۷-۲۰۰).

۱-۱۸. بررسی و نقد گروه هفتم از رباعیات.

۱-۱۸-۱. نگاهی گذرا به این پرسش که آیا پوچ‌گرایی مستلزم لذت‌پرستی است یا نه؟ و بررسی مفاهیمی چون مردم‌بی‌خبر،

شکل مجسم و هیچ، به طور کلی در رباعیات این گروه (صص ۲۰۱-۲۰۷).

۱-۱۸-۲. نقد و بررسی چهارده رباعی (صص ۲۰۸-۲۱۶). برای نمونه، در نقد و بررسی رباعی شماره‌ی (۶)، «چون نیست ز

هرچه هست جز باد به دست...»، چنین گفته شده: «شاعر وقتی که فنا و زوال و تجزیه و تلاشی اشیاء را می‌بیند، مساوی هست و نیست را از آن نتیجه می‌گیرد که خبط منطقی است. باید در نظر گرفت که گویندگان این گونه رباعیات نمی‌دانند یا درصدد بر نیامده‌اند که بدانند محصول هستی... چنان مرتب و منظم است که حتی یک ذره‌ی ناچیز از آن خارج از قانون نمی‌باشد... گوینده معنای حرکت را نمی‌دانسته که حرکت پدیده‌ای است مرکب از بالقوه و بالفعل...» (صص ۲۰۸-۲۱۳).

۱-۱۸-۳. ذکر چهار رباعی با مضمون «چون در این دنیا به کام خود نمی‌رسیم، پس نباید دنیا را جدی گرفت» (صص ۲۱۶-

۲۱۷).

۱-۱۹. بررسی و نقد گروه هشتم از رباعیات.

۱-۱۹-۱. بررسی چهار رباعی و تأکید بر این نکته که در هر ۴ رباعی کلمه‌ی کام و کامیابی برای گوینده یا گویندگان اهمیت

حیاتی دارد (صص ۲۱۸-۲۲۱).

۱-۱۹-۲. تأکید بر این مطلب که احساس ناکامی در این زندگانی عمومیت دارد و این احساس سه شرط اساسی دارد: یکی

درک آرمان‌ها و خواسته‌های بسیار متنوع و فراوان که بشر را به خود جذب می‌کند و دیگری هشیاری و دور بودن از مستی‌ها و تخدیرهای گوناگون و سرانجام شناخت قدرت آدمی بر وصول به مقداری عظیم از کام و آرمان‌ها که هر کس این سه شرط را داشته باشد، احساس کامیابی نخواهد کرد (صص ۲۱۹-۲۲۱).

۱-۱۹-۳. ذکر هفده رباعی با مضمون «فلسفه و هدف حیات چیست؟» (صص ۲۲۱-۲۲۴).

۱-۲۰. بررسی و نقد گروه نهم از رباعیات.



گروه فرهنگی سایه خیال

- ۱-۲۰-۱. خدا در مجموع رباعیات منسوب به خیامی. اشاره به واژه‌ها و ترکیباتی مانند اسرار الهی بازدارنده ی هستی که به گونه‌ای نام خدا در آن‌ها به کار رفته و ذکر نه رباعی دیگر که این واژه‌ها در آن‌ها نیز ذکر شده است (صص ۲۲۶-۲۲۸).
- ۱-۲۰-۲. اشاره به معاد در دو رباعی منسوب به خیامی (ص ۲۲۸).
- ۱-۲۰-۳. بررسی قضا و قدر و جبر ماورای طبیعی و روح مجرد در رباعیات منسوب به خیامی (صص ۲۲۸-۲۳۲). «تردید در فلسفه ی زندگی یا یکی از نتایج تردید در وجود خداست یا نفی آن وجود اقدس در صورتی که رباعیاتی که وجود خدا را قاطعانه مطرح نموده است، حداقل ۱۳ مورد است... عامل ماورای طبیعی دوم ... موضوع قضا و قدر است و بدیهی است که اعتقاد به قضا و قدر هم اعتقاد به خدا را در بر دارد... عامل ماورای طبیعی سوم ... موضوع حشر و معاد است و اگر این موضوع برای کسی پذیرفته شود، قطعاً هدف و فلسفه ای را برای زندگی آدمیان پذیرفته است» (ص ۲۳۲).
- ۱-۲۰-۴. بررسی این که «چه عواملی موجب نفی فلسفه و هدف زندگی یا تردید در آن می‌شود؟» اشاره به کتاب مستقل نگارنده درباره‌ی هدف و فلسفه ی زندگی و ذکر مباحث آن کتاب و ذکر چهارعاملی که سبب شده گوینده یا گویندگان رباعیات به پوچی در زندگی برسند (صص ۲۳۲-۲۳۸).
- ۱-۲۰-۵. نقد و بررسی رباعیات مربوط به موضوع هدف و فلسفه ی زندگی چیست؟ (صص ۲۳۸-۲۵۰). برای نمونه درباره‌ی رباعی شماره‌ی (۱۰)، «چون آمدنم به من نبد روز نخست...» چنین گفته شده: «[در این رباعی] با استناد بر جبر در آمدن و رفتن همه‌ی استعدادها و امکانات و اراده و اختیار و قدرت اکتشاف را منکر شده و می‌گوید: چون جبرا به دنیا آمده و خواهیم رفت، پس من یعنی هیچ... این گوینده نمی‌داند که اندوه که از نفی و انکار همه‌ی استعدادها و نیروهای متنوع دیگر درون آدمی را فرا می‌گیرد، شدیدتر از آن است که یک اقیانوس شراب از بین برود» (ص ۲۴۴).
- ۱-۲۰-۶. ذکر هشت رباعی با مضمون جبر و اضطراب در آمدن به این دنیا و رفتن از آن (صص ۲۵۰-۲۵۲).
- ۱-۲۱. بررسی و نقد گروه دهم از رباعیات، بررسی و نقد ۸ رباعی (صص ۲۵۳-۲۶۰).
- ۱-۲۲. بررسی گروه یازدهم از رباعیات با مضمون قضا و قدر.
- ۱-۲۲-۱. ارجاع به رباعیاتی که در بررسی گروه نهم زیر عنوان «(۳) قضا و قدر و جبر ماورای طبیعی در رباعیات منسوب به خیامی»، آمده است (صص ۳۶۰-۳۶۵).
- ۱-۲۲-۲. طرح این پرسش که «آیا قضا و قدر دست و پای انسان را بسته است؟ و پاسخ به آن به کمک نقل برخی از اشعار شاعران دیگر مانند صائب، حافظ، سعدی و ... بررسی موضوع قضا و قدر از جنبه‌های گوناگون و تلاش برای برطرف کردن ابهامات مختلف در پیوند با این موضوع با بهره‌گیری از آیات قرآن و دیگر منابع» (صص ۳۶۵-۳۷۸).
- ۱-۲۲-۳. ذکر پنجاه رباعی با مضمون حرکت و فنای موجودات و گذشت عمر و محو شدن زیبایی‌ها (صص ۲۷۸-۲۸۷).
- ۱-۲۳. بررسی و نقد گروه دوازدهم از رباعیات.



گروه فرهنگی سایه خیال

- ۱-۲۳-۱. نقد و بررسی کلی مضمون این گروه از رباعیات و ذکر یک قصیده از ابوالعلائی معری و ترجمه‌ی آن (صص ۲۸۸-۲۹۵).
- ۲-۲۳-۱. بررسی حرکت و تحول از دو دیدگاه ابتدایی مخالف یکدیگر که یکی بر این باور است که حال که روزگار با گردش خود همه چیز را از ما می‌گیرد، چه بهتر دم را غنیمت شمیریم، افراد طرف دار این گروه گوینده و یا گویندگان رباعیات پیش گفته هستند و گروه دیگر، مانند نظامی، مولوی، سعدی و ... هستند که به دل نبستن به دنیا معتقدند (صص ۲۹۵-۲۹۶).
- ۱-۲۳-۲. ذکر هفده رباعی با مضمون حال که دگرگونی‌ها همه چیز را از ما خواهد گرفت، پس خود را تحذیر کنیم! (صص ۲۹۶-۲۹۹). و یادآوری این نکته که بررسی گروه ۱۳ و ۱۴ از رباعیات مربوط به مباحث بررسی و نقد گروه ۱۲ از رباعیات است (ص ۲۹۶).
- ۱-۲۴-۱. بررسی و نقد گروه سیزدهم از رباعیات.
- ۱-۲۴-۱. بررسی کلی مضامین هفده رباعی، «گوینده یا گویندگان این رباعیات می‌گویند، آری، چاره‌ی سختی‌ها و ناگواری‌ها تا آن که زندگی سپری گردد، هوش و درک و علم را از دست دادن و مست شدن و خود را به عوامل لذت سپردن است... تخدیرها و مستی‌ها... لحظاتی بیش استمرار ندارند... آگاهی‌ها و هشیاری‌ها در صورتی که با تکامل و رشد عاطفی همراه باشد، در مرحله‌ی عالی‌تر، حالتی با عظمت تر و با شکوه تر از حالت پیشین می‌آورد... و این مرحله همان مستی و بی‌هوشی شراب‌طهور و دل‌گشا و غم‌زدای معرفت است که مطلوب هر مسافر راه تکامل می‌باشد» (صص ۳۰۰-۳۰۴).
- ۱-۲۴-۲. ذکر پانزده رباعی با مضمون «پس خود را مشغول کنیم به تخدیر و دم را غنیمت شمیریم» (صص ۳۰۵-۳۰۷).
- ۱-۲۵-۱. بررسی و نقد گروه چهاردهم از رباعیات.
- ۱-۲۵-۱. توضیحاتی درباره‌ی اغتنام فرصت و بررسی آن از جنبه‌های گوناگون مانند دیدگاه امام علی (ع) درباره‌ی بهره‌گرفتن درست و مفید از موقعیت‌ها و دیدگاه سعدی و استناد به چند آیه‌ی قرآن در این باره (صص ۳۰۸-۳۱۶).
- ۱-۲۵-۲. نقد و بررسی کلی پانزده رباعی منسوب به خیام که در پیوند با اغتنام فرصت هستند و بهره‌گیری فراوان از اشعار مولوی در مثنوی به هنگام نقد و بررسی رباعیات (صص ۳۱۶-۳۳۶). «خداوند، چقدر فاصله است میان مغزی که با دیدن حرکت و تحول پرمعنای هستی که خواسته‌های حیات حیوانی او را از دستش می‌گیرد، کودکانه می‌رنجد و رباعیاتی می‌سازد که چون همه چیز در گذر است... پس گوشه‌ای را برای تخدیر برگزینیم و میان مغزهای انسان‌هایی که می‌گویند مردم حرکت کنید... هدف‌های نسبی را یکی بعد از دیگری پشت سر هم بگذارید تا به هدف اعلای حیاتمان برسیم...» (ص ۳۲۱).
- ۱-۲۶-۲. ذکر یازده رباعی با مضمون دنیا غم‌خانه است (صص ۳۳۷-۳۳۹).
- ۱-۲۷-۲. بررسی و نقد گروه دوم از رباعیات متفرقه.



گروه فرهنگی سایه خیال

۱-۲۷-۱. نقد و بررسی یازده رباعی با مضمون دنیا غم خانه است (صص ۳۴۰-۳۴۷). برای نمونه، در رباعی (۴) «گردون نگری ز قد فرسوده‌ی ماست...»، چنین گفته شده: «پس از تشبیه خمیدگی گردون به قد فرسوده‌ی آدمیان، بالعکس... اولاً شاعر می‌توانست با نظر به نظم هستی، از فلک و ماه تشبیهی سازنده برای انسان‌ها بیاورد، چنان که در شعر حافظ می‌بینیم: مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو / یادم از کشته‌ی خویش آمد و هنگام درو لذا می‌توان گفت: گوینده یا گویندگان رباعیات مورد بررسی، در حقیقت عناصر شخصیتی و وضع روانی و آرمان‌های خود را در قالب رباعیات به مردم عرضه کرده‌اند...» (صص ۳۴۳-۳۴۴).

۱-۲۷-۲. ذکر دو رباعی با مضمون: «عدالت وجود ندارد، زیرا اهل فضل در این دنیا در رنجند»؛ همراه با نقد و بررسی آن‌ها (صص ۳۴۶-۳۴۷).

۱-۲۷-۳. ذکر پنج رباعی با مضمون: «گوینده یا گویندگان رباعیات از نظر خویشتن» (صص ۳۴۷-۳۴۸).

۱-۲۸. بررسی و نقد گروه چهارم از رباعیات متفرقه، «نقد و بررسی پنج رباعی با مضمون گوینده یا گویندگان از نظر خویشتن» (صص ۳۴۹-۳۵۲).

۲. منابع اصلی

این کتاب، به منابع فراوان مستند است، از جمله: رباعیات خیام، محمدعلی فروغی، قاسم غنی. رباعیات خیام، از کتاب خیام شناسی، محمد مهدی فولادوند. سقط الزند ابوالعلائی معری. مثنوی مولوی. رسائل خیام از جمله کون و تکلیف، شرح ما اشکل من مصادرات اقلیدس، رساله فی الوجود و... رباعیات خیام، نسخه‌ی کلاله‌ی خاور. ترانه‌های خیام، صادق هدایت.

۳. اشاره

علامه محمد تقی جعفری یکی از نامدارترین اندیشمندان و پژوهشگرانی دینی است که آثار ارزشمندی از او به یادگار مانده است. بینش ویژه‌ی فلسفی ایشان بر آثار مختلفش سایه انداخته است و کتاب «تحلیل شخصیت خیام»، نیز زیر همان سایه پدید آمده و شکل گرفته است. به همین دلیل، این کتاب با همه‌ی کتاب‌های دیگری که در پیوند با خیام نوشته شده، متفاوت است.

علامه جعفری در ۱۰۰ صفحه‌ی نخست این کتاب، مطالب ارزشمندی را در چند فصل توضیح داده‌اند و این مطالب را به منابع معتبر مستند کرده‌اند. اما آن چه در بخش دوم کتاب که در واقع اصل کتاب است آمده، مطالبی است که بیشتر به یک تفسیر و برداشت شخصی و ذوقی مربوط می‌شود و این مطالب پراکنده نیز به یک داوری روشن درباره‌ی خیام شاعر نمی‌انجامد. ضمن آن که در برخی از فصول مانند فصل «علت جذابیت رباعیات منسوب به خیام» (صص ۱۲۱-۱۳۱)، مطلب روشنی در موضوع مورد بحث ارائه نشده است. محمد تقی جعفری از ابتدا بر این باور است که ارزش آثار خیام به نوشته‌های فلسفی و علمی او مربوط



گروه فرهنگی سایه خیال

می‌شود و رباعیات او به دلیل آثار فلسفی اعتبار یافته: «اعتبار و ارزش بزرگ خیامی مستند به آثار فلسفی و علمی اوست و بدین وسیله رباعیات وی دارای اعتبار و ارزش شده و مورد توجه مردم فراوان، مخصوصاً در دوران‌های اخیر گشته است...» (ص ۱۲۱).

این داوری با آثار موجود در کارنامه‌ی خیام پژوهی سازگاری ندارد، زیرا به روشنی پیداست که بیشترین آثاری که در پیوند با خیام پدید آمده است، درباره‌ی خیام شاعر و رباعیات اوست نه بر عکس آن. به نظر می‌رسد در مباحث خیام‌شناسی صادق هدایت، در منتهی الیه یک طرف و محمد تقی جعفری در منتهی الیه طرف دیگر نشسته‌اند. هدایت نیز به گونه‌ای غیرعلمی و بر اساس ذوق خود آثار ارجمند فلسفی خیام را کم بها پنداشته و بر مضامین پوچ گرایانه رباعیات خیام پای فشرده است و کتاب «تحلیل شخصیت خیام» را می‌توان پاسخ نامه‌ای به کتاب «ترانه‌های خیام» از هدایت دانست. محمد تقی جعفری، در صفحات مختلف این کتاب یا به تعریض و یا آشکارا نگره‌های نویسنده‌ی کتاب «ترانه‌های خیام» را نکوهیده و نقد کرده است.

در پندار علامه جعفری، از میان همه‌ی رباعیات منسوب به خیام، تنها ده رباعی قابل قبول بوده است (ص ۱۰۷). به همین دلیل، هنگام بررسی رباعیات همواره درباره‌ی اندیشه‌ی «گوینده یا گویندگان» رباعیات بحث کرده و با این شیوه‌ی بیانی، خیام را صاحب این رباعیات ندانسته است.

موضوع تفاوت مفاهیم موجود در آثار فلسفی و علمی خیام با آن چه در رباعیات او آمده، از موضوعات مهم خیام پژوهی است و به همین دلیل تاکنون نوشته‌های مختلفی پدید آمده و بعضی از پژوهشگران برای حل این تناقضات خیام شاعر را از خیام ریاضی دان و فیلسوف جدا کرده و آن‌ها را دو شخصیت متفاوت دانسته‌اند و برخی دیگر، بسیاری از رباعیات را از پرونده‌ی خیام بیرون برده و آن‌ها را از دیگران دانسته‌اند، اما هیچ یک از خیام پژوهان دایره‌ی پذیرش رباعیات را به اندازه‌ی علامه جعفری محدود نکرده و آن‌ها را به ده رباعی منحصر ندانسته‌اند. این اشکال از آن جا ناشی شده است که علامه جعفری آرای خیام فیلسوف و ریاضی دان را همچون ترازو و سنجه‌ای مسلم گرفته‌اند و تک تک رباعیات را با آن سنجیده و سپس بنا بر ذوق خود، درباره‌ی هماهنگی آن‌ها داوری کرده‌اند. در چنین داوری غیرقابل پذیرشی، اشعار بسیاری همچون رباعیات زیر مشکوک پنداشته شده‌اند:

مرغی دیدم نشسته بر باره‌ی طوس

در پیش نهاده کله‌ی کیکاووس

با کله‌ی همی گفت که افسوس افسوس

کو بانگ جرس‌ها و کجاناله‌ی کوس

*

هنگام سپیده‌دم خروس سحری

دانی که چرا همی کند نوحه‌گری؟



یعنی که نمودند در آینه‌ی صبح
کز عمر شبی گذشت و تویی خبری
*

هر ذره که بر روی زمینی بوده ست
خورشید رخی، زهره جبینی بوده ست
گرد از رخ نازنین به آزرم فشان
کان هم رخ خوب نازنینی بوده ست
*

ای کاش که جای آرمیدن بودی
یا این ره دور را رسیدن بودی
کاش از پی صد هزار سال از دل خاک
چون سبزه امید بر دمیدن بودی
*

آورد به اضطرابم اول به وجود
جز حیرتم از حیات چیزی نفزود
رفتیم به اکراه و ندانیم چه بود
از آمدن و بودن و رفتن مقصود

رباعی‌های پیش گفته و ده‌ها رباعی مانند این‌ها، هیچ تعارضی با اندیشه‌های دینی و فلسفی خیام ندارند و نمی‌توان آن‌ها را با خوانشی یک‌جانبه با اندیشه‌های دینی او در تعارض دید و از کارنامه‌ی خیام پاک کرد.

محمد تقی جعفری که بیش از دو سوم مطالب کتاب خود را به بررسی و نقد رباعیات منسوب به خیامی اختصاص داده و در آغاز بر نقد و بررسی چهارده گروه از رباعیات تأکید کرده، رباعیات را بدون در نظر گرفتن گوینده و یا گویندگان آن بررسی می‌کند و بررسی‌های گوناگون او به گونه‌ای است که پی‌درپی بر اندیشه‌های به قول نگارنده سطحی و نادرست و کوتاه بینانه‌ی گوینده یا گویندگان رباعیات می‌تازد و آن‌ها را از هر گونه اندیشه‌ی عمیقی و ژرف خالی و تهی می‌داند. برای نمونه، به برخی از موارد زیر اشاره می‌شود: «به نظر می‌رسد این‌گونه اشخاص (گوینده یا گویندگان رباعیات) هیچ فکری درباره‌ی نظم و قانون علم هستی نمی‌کنند... اینان، عینکی شیشه‌ای به چشمان خود زده‌اند که شیشه‌های آن جز خواسته‌های حیات طبیعی محض آنان چیزی



گروه فرهنگی سایه خیال

را نشان نمی‌دهند ... و با مغز خارج از اعتدال خیال می‌کنند که فلک آنان را لعبت‌گانی ساخته است که با آنان بازی می‌کند...» (ص ۲۴۹).

و «واقعاً من گمان نمی‌کنم گوینده یا گویندگان این گونه رباعیات حتی یک ساعت درباره‌ی ارزش‌های انسانی ... درست و همه‌جانبه اندیشیده باشند...» (صص ۲۴۲-۲۴۳).

و «گویندگان این گروه از رباعیات، یا هیچ اطلاعی از دلایل تجرد روح و بی‌نیازی آن از ماده نداشته‌اند و یا با طرز تفکرات سطحی از آن دلایل گذشته‌اند، بدون این که زحمت مطالعه و اندیشه به خود بدهند...» (ص ۱۸۸).

محمدتقی جعفری با به کار بردن واژه‌هایی مانند گوینده یا گویندگان و نیز اعلام این مطلب که رباعیات را بدون در نظر گرفتن شخصیت خیام بررسی کرده، نخواست است بپذیرد که چنین رباعیاتی نتیجه‌ی تفکرات و اندیشه‌های فردی است که در دوران خود به او لقب امام و حجه‌الحق می‌دادند و این یکی از تناقض‌هایی است که نگارنده‌ی کتاب در نوشتن با آن روبه‌رو بوده و اگر با تقسیم‌بندی که در کتاب درباره‌ی چهار مرحله‌ی معرفت انجام شده و بر اساس آن صاحبان یا صاحب رباعیات از مرحله‌ی دوم که مرحله‌ی شک و تردید است، بالاتر نیامده باشد (صص ۱۳۹-۱۴۱). بر اساس این تحلیل، چگونه می‌تواند همان کسی باشد که از بعد علمی و فلسفی و مذهبی و تا حدی عرفانی و حکمی نمره‌ی قابل قبولی بگیرد (صص ۲۶-۳۱).

شیوه‌ی ساختاری و فصل‌بندی کتاب نیز نیازمند تجدیدنظر و سامان دهی است. برای نمونه، شیوه‌ی نقد و بررسی رباعیات این است که در پایان نقد و بررسی هر گروه از رباعیات یک مضمون با چند رباعی مربوط به آن ذکر می‌شود و در فصل بعد، رباعیاتی که در فصل پیش آمده نقد و بررسی شده است، ولی گاه این شیوه نادیده گرفته می‌شود و به جای نقد و بررسی رباعیات، در فصلی جداگانه به عنوان مجموعه‌ای از همان فصل به نقد و بررسی رباعیات گروهی دیگر پرداخته شده است (صص ۲۶۰-۲۶۱).

همچنین، گاه، شماره‌ی رباعی‌ها و ارجاعات اشتباه است. (برای نمونه: رک. (صص ۲۲۱-۲۲۴) و (صص ۲۴۵-۲۴۷) و شیوه‌ی محمدتقی جعفری در بررسی رباعیات هر گروه این است که گاه به صورت کلی مفاهیم و مضامین آن‌ها را بررسی می‌کند و گاه رباعی‌ها را یکی یکی نقد می‌نماید، اما در ص ۲۰۸ ابتدا رباعی شماره‌ی ۶ و پس از آن در ص ۲۱۳ رباعی شماره‌ی ۵ و در ادامه در ص ۲۱۵ رباعی شماره‌ی ۴ بررسی شده که با شیوه‌ی کلی کتاب تناسب ندارد.

۴- تأثیرات و پاسخ

۴-۱. نگاهی به خیام، فضل‌الله رضا، انتشارات کویر، ۱۳۷۹، صص ۶۹، ۷۲، ۷۴، ۱۰۱.

۴-۲. نگاهی به خیام همراه با رباعیات، فردین مهاجر شیروانی، حسن شایگان، ۱۳۷۰، انتشارات پویش، چاپ اول، صص ۱۴-۱۵.

۴-۳. مقایسه‌ی رباعیات عمر بن ابراهیم خیامی، گردآوری و تدوین فریبرز قاسملو، انتشارات قلم، ۱۳۷۵، صص ۶-۹.

۴-۴. خیام هدایت، رضا جواهردستی، کیهان فرهنگی، دوره‌ی چهاردهم، شماره‌ی ۱۳۳، ۱۳۷۶، صص ۸۲-۸۳.



گروه فرهنگی سایه خیال

- ۴-۵. عمر خیام در آینه‌ی تاریخ، رضا مفتخرزاده، نشریه‌ی دریچه، دوره‌ی دوم، شماره‌ی ۷، ۱۳۷۶، ص ۵۹.
- ۴-۶. عمر خیام، علی رضا ذکاوتی قراگزلو، طرح نو، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۶۳-۶۴ و ۱۲۷.
- ۴-۷. خیام و مسأله‌ی جبر و اختیار، عبدالله نیک سرشت، خردنامه‌ی صدرا، شماره‌ی ۲۵، ۱۳۸۰، ص ۸۵.
- ۴-۸. نوسان‌های معنا در برگردان فیتز جرالد، محمدیوسف باقری، زیباشناخت، شماره‌ی ۲ و ۳، شهریور ۱۳۸۰، ص ۹۴.
- ۴-۹. رباعیات نادره‌ی ایام خیام، پژوهش و نگارش محمد زمان فراست، ۱۳۸۱، چاپ دوم، انتشارات پژوهش، ص ۱۹۱.
- ۴-۱۰. خیام‌نامه (شرح رباعیات خیام)، اصغر برزی، انتشارات اعظم بنات، ۱۳۷۶، صص ۷ و ۲۰-۲۱ و ۵۳-۵۴ و ۷۶ و ۸۲ و ۸۷ و ۱۰۱ و ۱۲۸ و ۱۳۳ و ۱۴۲ و ۱۹۴-۱۹۷ و ۲۱۰-۲۱۱ و ۲۲۸.
- ۴-۱۱. زندگی خیام «شاعر سرگردان»، علی نوروزی، شاعران در آئینه، تهران: انتشارات گلرین، (ص ۱۲-۱۳).

عمر خیام